



مقصر این وضعیت پزشک‌یان نیست
گفتاری از **سید محمد خاتمی**

در دیدار اعضای حزب مجمع ایثارگران اصلاح طلب



مردمی سازی اقتصاد را رقم می زنیم
سعید زندی مدیرعامل فولاد مبارکه

از برنامه های جدید شرکت و آینده فولاد سازان گفت



گرفتن گریبان تاسیمان

درباره آخرین ساخته **تینا پاکروان** که پخش آن در پی انتقاد برخی جریانات و رسانه ها متوقف شد



دولت ۱۰۰ هزار میلیارد تومان پول کم آورد

ارزیابی کارشناسان از موانعی که بر سر راه اصلاح بودجه قرار دارد

صدراعظم جدید



گزارش
بین الملل
۲۰۳

بررسی انتخابات پارلمانی آلمان
مواضع **فردریش مرتس** رهبر حزب پیروز و تاثیر آن بر تحولات اروپا در گفت وگوبا **ابراهیم رحیم پور و سهراب سعدالدین**

یادداشت
سردبیر

دیوار کوتاه زلنسکی

درباره دشواری سیاست در جهانی که ترامپیست ها می خواهند



محمد جواد اروج

این روزها، رسانه ها و فضای مجازی پر شده از متن هایی که مدعی درس آموزی از تجربه اوکراین است و در آن، با زبان تحلیل و گاه تحقیر در نقد الگوی سیاست وری ولودیمیر زلنسکی در جنگ سه ساله با روسیه سخن می رود. نکاتی چون اتکاب به قدرت های بین المللی، نادیده گرفتن بازی قطب های جهانی و تصور نادرست از وزن خود در این نقدها مجال طرح یافته اند. مبنای این نقدها نیز، بر خوردی است که امریکای ترامپ با اوکراین و فراتر از آن، اتحادیه اروپا داشته است و پروژه خود برای پایان دادن به این جنگ فرسایشی را بدون حضور و مشارکت آنان تعریف کرده است. حملات و حملات تند و تحقیرآمیز ترامپ علیه زلنسکی و برخورد طلبکارانه او و پوتین با منابع کانی و اراضی اوکراین نیز همچون بنزین، آتش این نقدها را شعله ورتر و زبان منتقدان را تیزتر می کند. اما آیا واقعا این نقدها بجاست و زلنسکی و اوکراین درخور چنین شتمات هایی هستند؟ آیا چنان که منتقدان مدعی اند رئیس جمهور اوکراین، بر خوردی تخیلی با مناسبات جهانی داشته است که حال، دست خالی مانده است؟ این پرسش را البته به شکلی دیگر هم می توان مطرح کرد: چرا طی این سه سال، منتقدان چنین نقدهای رادیکالی را متوجه زلنسکی نمی کردند و حتی او را که زمانی کم دین بود، در جایگاه یک رهبر ملی و حتی ژنرال مدیر نظامی می دیدند که توانسته مقابل خرس سرخ روسی بایستد و ارتش پوتین را به عقب نشینی وادارد و حتی از مرزها بگذرد و وارد سرزمین دشمن شود؟ آیا همه این بی تدبیری ها، نادانی ها، بازی خوردن ها و شکست ها یک باره از آسمان نازل شده است و آن رهبر کوچک اما توانمند را چون جن زدگان و مسحورشدگان تغییر حال داده است و او را از جایگاه رئیس جمهور به موقعیت کم دین بازگردانده است؟ طبیعا، چنین نیست. زلنسکی همان زلنسکی سه سال پیش و چند ماه پیش است. همان رهبری که توانسته بود کشور کوچک خود را در برابر دشمنی بزرگ و قدرتمند با چنگ و دندان و همه ابزارهای موجود در دایره امکان، حفظ کند و البته، استفاده از حمایت مادی و معنوی و تسلیحاتی قدرت های جهانی (آمریکا و اتحادیه اروپا) نیز، بخش مهمی از ابزارهایی بود که می توانست و توانست به آنها متوسل شود. پس چه چیز تغییر کرده است؟

گزارش تحقیقی هم میهن:

بررسی سالانه شاخص های آلودگی هوا
از سال ۱۳۹۱ تا ۶۲ روز نخست زمستان امسال

گزارش
جامعه
۱۳-۱۴

آلوده ترین زمستان تهران



سرنوشت اصلاحیه مشاغل حساس

سرمقاله

ترس یا قدرت نمایی؟

برخی افراد و گروه های سیاسی گرچه می دانند ضعیف شده اند یا به بن بست رسیده اند و امیدی به آینده ندارند؛ ولی درعین حال، برای پوشاندن یا عدم اقرار به ضعف خود، می کوشند قدرت نمایی کنند و خود را در جایگاه اقتدار نشان دهند. به تعبیری فرار روبه جلو می کنند. نمونه آن، آواز خواندن افراد در تاریکی شب است که یک سازوکار دفاعی برای غلبه بر ترس ناشی از تاریکی است. اگر از این زاویه نگاه کنیم، بسیاری از مصوبات مجلس برخلاف ظاهر تهاجمی آن، واقعیتی تدافعی و حکایت از ترس و فقدان اعتماد به نفس می کند. ترس از دست دادن همه چیز خود. قوانین مربوط به پوشش زنان، فضای مجازی، فرزندآوری، و نیز مصوبه «نحوه انتصاب اشخاص در مشاغل حساس» همگی از این نوع اقدامات است؛ به ویژه این آخری مصداق روشن فرار روبه جلوست. چرا چنین ادعایی وجود دارد؟